



The Discourse of Waiting for Imam Mahdi (a.s) in the Arena of Ayatollah Khamenei's Political Theology

Mohsen Mohajernia¹

Received: 25/12/2019

Accepted: 18/01/2020

Abstract

The most important question of this study is the nature of waiting in the arena of Ayatollah Khamenei's political theology. In this research, with the analytical method of helping from the text, we will reach the fact that the waiting is a kind of desire and hope resulting from belief, feeling and mood, readiness, action and jihad to gain the ideal state, and a human desire to achieve a world full of justice, Truth, intimacy, humanity, spirituality, virtue, correct and transcendental human morality in the shadow of divine rule and government. Therefore, the waiting has four basic factors which are hope for the future, dissatisfaction with the status quo, striving for change and believing in the inevitable realization of reappearance (of Imam Mahdi). The truth of waiting is of the type of verbal action and action-oriented belief, which has a skeptical hierarchy. This fact, due to its structural nature, must necessarily and exclusively be examined under the managerial and executive aspects (not the natural and heavenly status) of the Imamate, which are not present during the era of occultation. In this regard, the waiting is one of the basic concepts of the period of occultation, which has both the role of the Imam's successor in the period of presence and the most important strategy of Shia to pass the world full of oppression and then to reach a world full of justice in the age of reappearance. Connecting the truth of waiting to the realization of divine rule and government of Imam Zaman (a.s) has placed its epistemological type in line with the issues of Shia political theology.

Keywords

Imamate, occultation, waiting, reappearance, political theology, Ayatollah Khamenei.

1. Assistant Professor, Department of Politics, Research Center for Islamic Systems, Research Institute of Islamic Culture and Thought. Qom, Iran. mohajernia@gmail.com

Mohajernia, M. (2020). The Discourse of Waiting for Imam Mahdi (a.s) in the Arena of Ayatollah Khamenei's Political Theology. *The Scientific-Specialized Journal of Mahdavi Society*, 1(1), pp. 8-31. Doi: 10.22081/jm.2020.57821.1004

گفتمان انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

محسن مهاجرنیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

چکیده

چستی انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین پرسش این تحقیق است. در این تحقیق با روش تحلیلی استظهار از متن، به این حقیقت خواهیم رسید که انتظار، نوعی آرزو و امید ناشی از اعتقاد، احساس و حالت، آمادگی، عمل و مجاهدت برای رسیدن به وضع مطلوب و اشتیاق انسان برای دسترسی به دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت، اخلاق انسانی صحیح و متعالی در سایه حاکمیت و حکومت الهی است؛ بنابراین انتظار دارای چهار عنصر اساسی است؛ امید به آینده، عدم رضایت از وضع موجود، تلاش برای تحول و اعتقاد به تحقق حتمی ظهور. حقیقت انتظار از سنخ فعل گفتاری و اعتقاد معطوف به عمل می‌باشد که دارای سلسله مراتب تشکیکی است. این حقیقت، به دلیل خصلت ساختاری لزوماً و انحصاراً باید در ذیل شئون مدیریتی و اجرایی (نه شأن تکوینی و ملکوتی) امامت که در دوره غیبت حضور ندارند، بازخوانی شود. براین اساس، انتظار از مفاهیم اساسی دوره غیبت است که هم نقش جانشینی امام در دوره حضور را دارد و هم مهم‌ترین راهبرد تشیع برای عبور از دنیای پر از ظلم و ستم و رسیدن به دنیای پر از قسط و عدل در عصر ظهور است. معطوف‌سازی حقیقت انتظار به تحقق حاکمیت و حکومت الهی امام زمان علیه السلام سنخ معرفتی آن را در مستوای مسائل کلام سیاسی شیعه قرار داده است.

کلیدواژه‌ها

امامت، غیبت، انتظار، ظهور، کلام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی.

۱. استادیار گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم، ایران.
mohajernia@gmail.com

* مهاجرنیا، محسن. (۱۳۹۹). گفتمان انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی. فصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، ۱(۱)، صص ۸-۳۱.
Doi: 10.22081/jm.2020.57821.1004

مقدمه

انتظار از مفاهیم سهل و ممتنع در فرا انگاره امامت می‌باشد که سهولت آن، سبب نوعی سهل انگاری در تبیین مفهومی آن شده است. با همین پیش فرض، مهم ترین پرسش فراروی این تحقیق، تبیین چستی انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای - حفظه الله - است. با کنکاش در ادبیات سیاسی امامت، مهدویت و انتظار بر پایه روش تحلیلی استظهار از متن، تحقیق به این سو هدایت شد که در ساختار فرایندی امامت، چهار مفهوم اساسی «امامت»، «غیبت»، «انتظار» و «ظهور» چارچوب امامت را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم باید بررسی شوند تا حقیقت انتظار روشن گردد و نسبت آن با سه مفهوم دیگر روشن شود. بر مبنای همین نگاه، پژوهش حاضر اثبات خواهد کرد که بر اساس رویکرد کلام سیاسی، هویت و ماهیت «پارادایمی» امامت در دوره حضور، شکل گرفته است و حقایق دوره غیبت، در ذیل دوره نخست فهمیده می‌شوند.

به باور ما پدیده انتظار از مفاهیم اساسی دوره دوم یعنی عصر غیبت است که هم نقش جانشینی دوره حضور را دارد و هم مهم ترین راهبرد تشیع برای رسیدن به عصر ظهور است. واقعیتی که در حقیقت انتظار وجود دارد، آن است که در پیوند با همه شئون امامت نیست؛ بلکه تنها در فراق شئون غایب آن است که شامل مدیریت اجرائی امام و تحقق بخشی به حاکمیت الهی و حکومت اسلامی است. در ادامه، ابتدا با موضوع سنخ‌شناسی مفهوم انتظار و سپس با بازخوانی انتظار در پارادایم امامت به تبیین ادعای این نوشتار خواهیم پرداخت.

سنخ‌شناسی مفهوم انتظار در کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای

الف. دانش‌واژه انتظار

مفهوم انتظار در ادبیات دینی یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۳۷). به عبارت دیگر، انتظار یعنی امید و آرزوی یک وضع مطلوب و اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۰۸ الف)، و در مفهومی

جامع، انتظار یک دنیای سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت، اخلاق انسانی صحیح و والا، دنیایی که در آن حاکمیت زر و زور راهی نداشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷).

اما آنچه مفهوم انتظار را شفاف می‌کند، کنکاش در لایه‌های ساختار زبانی و فهم سنخ معرفتی آن است. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به لحاظ زبان‌شناختی، می‌توان مفهوم انتظار را در سه لایه فاعلی، مفعولی و مفعول لاجله شناسایی و مطالعه کرد. رهبر معظم انقلاب به مناسبت‌های مختلف گاهی با تمرکز بر تبیین مفهومی انتظار در قلمر فاعل یعنی شخص یا جامعه «منتظر»، انتظار او را از سنخ «حالت» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶ ب)، «آمادگی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)، «عمل» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹) و «تلاش، مجاهدت و فعالیت بی‌وقفه» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) یا بازتاب و تأثیر اعتقادی و روانی خاصی در «باطن فرد منتظر» و یا در ایجاد یک «حرکت اجتماعی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷) معنا کرده است. در مواردی مفهوم انتظار را در پیوند با موعود و منجی و امام زمان علیه السلام یعنی شخص مورد انتظار (منتظر) ملاحظه فرموده است. در این صورت، تمرکز مفهومی بر روی منتظران و یا غایت انتظار نیست و منتظران می‌توانند مسلمان یا مسیحی و یهودی یا حتی غیر مسلمان هم باشند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۹/۱۴ الف)؛ بلکه شخص مورد انتظار، محوریت دارد. در این صورت گاهی انتظار، مفهوم عامی در حد فرج کلی و گشایش است؛ همان‌گونه که فرموده است: «در بعضی از روایات دارد: «احب الاعمال الی الله انتظار الفرج؛ از همه کارهای دنیا محبوب‌تر در نزد پروردگار، انتظار گشایش است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷) و گاهی هم معانی خاص در پیوند با منتظر خاص، آزاده شده است: «در دوران امام زمان علیه السلام مادیات انسان‌ها هم از امروز بهتر خواهد شد؛ فقط معنویات نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶ ب).

در لایه سوم، کالبدشکافی مفهوم انتظار، به غایاتی مانند عدالت گسترده و ختم فلسفه تاریخ به صلاح و فلاح و به اصطلاح «مفعول لاجله» گره خورده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۸). رهبر معظم انقلاب (۱۳۶۶/۰۱/۲۴ الف) می‌فرماید:

اگر ما مسئله پایان خوش و فرجام عادلانه تاریخ را از زندگی بشر حذف کنیم، دنیا

در یک ظلمات یأس فرو خواهد رفت... پس مسئله جامعه آینده بشریت یا جامعه ایده آل اسلامی در مسئله انتظار و مهدویت و موضوع اعتقاد به امام زمان علیه السلام یک عنصر اصلی است که امید انسان‌ها را زنده نگه می‌دارد.

پیوند مفهومی میان انتظار و غایت ظهور (منتظر لاجله) در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای این تأمل را برای این بزرگوار (۱۳۷۷/۱۲/۰۴ ب) پیش آورده است که:

ما وقتی که می‌گوییم منتظر امام زمان علیه السلام هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً». نمی‌گوییم: «یملأ الله به الارض دیناً و صلوةً و صوماً»؛ با اینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین تحقق را، بیشترین تحقق را پیدا می‌کند؛ لیکن این عدل، معلوم می‌شود یک مصرع بلند درخواست‌های انسان است.

نتیجه مفهومی از لایه‌های زبان‌شناختی آن شد که انتظار، مفهومی انضمامی دارد که با عناصر مفهومی‌ای همانند «امید به آینده» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)، «عدم رضایت از وضع موجود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸)، «تلاش برای تحول» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) و اعتقاد به «تحقق حتمی ظهور» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰) قرین است. فقدان هر یک از عناصر فوق در مفهوم انتظار، سبب سلب معنای انتظار می‌شود. همان‌طور که در خصوص عدم تلاش و مجاهدت می‌فرماید: «انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را و جبهه همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان - علیه الصلاة والسلام - هستیم. اینکه انتظار نیست» (ملایی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۹).

ب. انتظار از سنخ فعل گفتاری

ادبیات انتظار عمدتاً در مورد غیبت امام عصر علیه السلام شکل گرفته است و ریشه در سنت و روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام دارد؛ بنابراین همه آنچه در این مورد بیان شده، مربوط به آینده‌ای است که در زمان خطاب و بیان، هنوز محقق نشده بود؛ اما در کنار روایاتی مانند قول امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ

الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرُوا (نعمانی، بی تا، ص ۲۰۰)؛ کسی که دوست دارد از یاران [حضرت] قائم باشد، پس باید منتظر باشد، بسیاری از روایات مربوطه در قالب عبارات اخباری القا شده است؛ همانند: «طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۵۷) سعادت و نیک‌بختی از آن شیعیان قائم‌ماست؛ آنان که در غیبتش، منتظر ظهورش و در ظهورش، فرمان‌برش هستند؛ ایشان همان اولیای الهی هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین هستند».

نظر به اینکه ویژگی جمله خبری آن است که در مقام اخبار از واقعیت باشد و احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد؛ در حالی که خبر از آینده قطعی مهدویت چنین احتمالی را بر نمی‌تابد؛ بنابراین به دو دلیل، روایات در این قالب زبانی قابل توجیه است؛ یکی اینکه ساختار زبانی روایات بر اساس آینده حتمی محقق الوقوع است و دوم اینکه ساختار خبری به داعیه انشاء بیان شده است. همان طوری که می‌فرمایند: «انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان عجل الله فرجه هستیم. اینکه انتظار نیست» (ملایی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۹). «ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). جالب است در برخی روایات اخباری، انتظار را از سنخ عمل تلقی کرده است و می‌فرماید: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج» (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۴۴) که بر مبنای فعل گفتاری، تأویل معنایی روایت چنین است: منتظر باشید؛ یعنی عملی را که لازمه انتظار است، انجام بدهید؛ چرا که انتظار فرج، برترین اعمال است.

در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار به مثابه یک مفروض قطعی از سنخ فعل و عمل تلقی شده است و همه گزاره‌های انشائی و خبری تأویل یافته به گزاره‌های توصیه‌ای هویت خود را در آن می‌یابند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

پ. سنخ‌شناسی معرفتی انتظار

کنکاش در موضوع مهدویت و انتظار در گفتمان سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، خواننده را با این پرسش اساسی مواجه می‌کند که عناصر مفهومی ذکر شده در محدوده دانش کلام سیاسی این بزرگوار چگونه قابل ترکیب و فهم هستند؟ و به عبارت دیگر، مرکب فوق چه سنخ معرفتی است؟ آیا انتظار از سنخ اعتقاد است تا «کلام سیاسی» باشد یا از جنس حکمت و دانش عملی تا فلسفه سیاسی تلقی شود، یا صبغه آینده‌پژوهی و آرمان‌گرایی دارد، تا فلسفه تاریخ باشد؟ آیا می‌توان انتظار را نوعی سبک زندگی از سنخ سیاست یا فرهنگ تلقی کرد؟ (مهاجرنیا، ۱۳۸۱، ص ۱۸۷). نیل به پاسخ این پرسش‌ها نیازمند دسته‌بندی دانش‌واژه انتظار و ارزیابی آن‌ها از منظر کلام سیاسی است:

۱. انتظار از سنخ امید و آرزوی محض بدون عمل (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷)؛
 ۲. انتظار از سنخ آرزوی معطوف به عمل (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛
 ۳. انتظار از سنخ اعتقاد محض (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛
 ۴. انتظار از باب اعتقاد به شرط فقدان عمل (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛
 ۵. انتظار از سنخ اعتقاد (و آرزوی مبتنی بر عقیده) معطوف به عمل (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷)؛
 ۶. انتظار از سنخ توقعات نظری در فلسفه تاریخ (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).
- تأمل در ماهیت انتظار و جایگاه آن در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، با چهار دسته نخست، ناسازگار می‌نماید؛ بلکه رهبر حکیم انقلاب (۱۳۶۹/۱۲/۱۱) با اشاره به گفتمان اعتقادی انقلاب اسلامی، آن‌ها را انحراف تلقی کرده، می‌فرماید:
- کسانی که مغرض و نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان انقلاب خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را بر طرف نماید. انقلاب این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد.
- در جای دیگر (۱۳۶۲/۰۳/۰۷) می‌فرماید: «کسانی در گذشته که از مسئله امام زمان و

مسئله انتظار به صورت تحقیر آمیزی استفاده می کرده‌اند، قبيله امام زمان را ترمز حرکت‌های جامعه قرار می دادند».

بنابراین منظور از دسته پنجم این است که انتظار، مقوله‌ای از سنخ معرفت اعتقادی و کلامی، و محفوف به امید، آمادگی، عمل برای تغییر وضع موجود و فراهم‌سازی شرایط تحقق وضع مطلوب در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب (۱۳۷۴/۱۰/۱۷) می‌فرماید:

در قضیه [مهدویت] و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در [جهتی که] عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سرنوشت بشر و ملت‌ها است [جست‌وجو کند، آثار عظیمی را می‌بیند] در این زمینه، اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند.

ت. انتظار مفهومی نسبی و تشکیکی

در گفتمان کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای، انتظار امر مطلق نیست که تنها در یک سطح اعتقادی و لایه فکری مطرح باشد؛ بلکه انتظار هم نسبت به معتقدان و هم نسبت به منتظر و فرج مورد انتظار، متفاوت و دارای مراتب است. این بزرگوار در شرح روایت انتظار فرج که در بالا ذکر شد، «انتظار عمومی» و «انتظار نهایی» را ذکر می‌فرماید (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹) و معتقد است:

انتظار فرج و گشایش در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است؛ لیکن انتظار فرج، مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند: منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید؛ بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج یعنی این، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید: دیگر کاری

نمی‌شود کرد. نه؛ وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج، متوقع و مورد انتظار است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

نتیجه آنکه اصطلاح انتظار در ساخت زبانی، هم مفهوم مرکبی است که از عناصر مفهومی چندی همانند بینش، امید، اعتراض، حرکت و مجاهدت تشکیل یافته است و هم اصطلاحی است ساختاری و انضمامی که لایه‌های مفهومی آن را باید در میان سه رکن «منتظر»، «منتظر له» و «منتظر لیه» فهمید. از طرفی این اصطلاح عضوی از خانواده پارادایم امامت و مهدویت است که در پیوند با نظام معنایی آن باید هویت‌یابی مفهومی شود. علاوه بر آنکه گستره و قلمرو مفهومی انتظار، آن را در حد یک مکتب فکری و اعتقادی و یک چارچوب برای سبک زندگی، ارتقا داده است. انتظار از این جهت، از مفاهیم ارتباطی است که باید در یک شبکه مفهومی در پیوند با هموندها و همروی با سازه‌های مفهومی دیگر در چارچوب منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از منظرهای مختلف در کلام سیاسی وی ملاحظه شود. از ویژگی‌های بارز ساخت زبانی و مفهومی برجسته انتظار، سریان و حضور آن در تمام سطوح و لایه‌های طولی کلام سیاسی است و همین امر سبب شده است انتظار فرج، تنها یک مصداق نهایی بر اساس سنت الهی و فلسفه تاریخ و آینده محتمل پیدا نکند؛ بلکه در هر سطحی به صورت نسبی باید منتظر فرج بود. این گستره مفهومی، خواننده را با این پرسش روبه‌رو می‌کند که انتظار از چه سنخ معرفتی است؟ روشن است که دانش‌های مختلفی همانند: زبان‌شناختی، فلسفه، الهیات و دین‌پژوهی، مهدویت‌پژوهی، فلسفه تاریخ می‌توانند آن را مطالعه کنند؛ اما خصیصه فرارشته‌ای و بینارشته‌ای آن به ویژه در میان دو دانش کلام و سیاست، اقتضا می‌کند که برجسته‌ترین حوزه معرفتی انتظارپژوهی را «کلام سیاسی» دانست.

انتظار در پارادایم امامت

ویژگی پژوهش‌های بنیادی آن است که فهم دقیق جایگاه معرفتی آن‌ها در پیوند با یک چارچوب و پارادایم کلی برقرار شود، تا در ذیل یک نظام دانایی مافوق بازخوانی

گردد. حقیقت آن است که خوانش‌های مفهومی متعددی از مقوله انتظار با رویکردها، تبیین‌ها و تحلیل‌های متفاوت قابل ارائه است. ترجیح نگارنده در این مقال بازخوانی انتظار در پارادایم امامت است.

در تلقی رایج، پارادایم جامع‌ترین لایه فکری، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی است که مرجع و مصدر معنایی زیرمجموعه خود است. پارادایم رویکردی کل‌گرایانه است و به دریایی می‌ماند که همه رودها، مسیل‌ها و جوی‌ها بدان می‌پیوندند. پژوهشگر با این رویکرد، یک موضوع خاص، جزئی و انضمامی را به یک مفهوم کلی ارجاع می‌دهد؛ تا قابلیت فهم‌پذیری آن را تسهیل کند.

اصطلاح «پارادایم» در مفهوم اولیه خود به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مورد توافق یک جامعه اشاره دارد که شامل: پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه، زبان تخصصی، مفاهیم، روش، منطق پژوهش، اهداف، شیوه‌ها و معیارهای اندازه‌گیری، الگوهای پژوهشی موفق، متون آموزشی، ابزارهای آزمایشگاهی و رسانی و حتی آداب و رسوم حاکم بر جامعه پژوهشی می‌شود. رویکرد پارادایمیک کوششی به منظور یافتن جایگاه منطقی یک مفهوم در چارچوب کلی حوزه‌های ذهنی است. هر موضوعی تا آنجا قابل توصیف و قابل فهمیدن است که به جایگاهش در نظام‌ها، مجموعه‌ها و سطح پذیرفته‌شده رایج بتوان پی برد و آن را با آن نظام پیوند زد. در یک نظام پارادایمیک، بسیاری از مفاهیم و واژه‌ها به تنهایی و در انزوا، معنای رایج را ندارند و معنای آن‌ها در ارتباط با سایر اجزا و کلیت یک نظام نظری تعیین می‌شود.

بخشی از هویت معنایی تابع سیاق و بفت است؛ به طوری که با تغییر یک نظریه، بخشی از معنای واژه‌ها نیز تغییر می‌کند. همان طوری که بار معنایی واژگانی چون: انتظار، شهادت، ولایت، تقیه، زیارت، شفاعت، غیبت و ظهور، متعلق به نظام امامت است. اگر پیوند این امور را با پارادایم امامت قطع کنیم، دچار گم‌شدگی معنایی می‌شوند و خود پارادایم هم اگر با تغییری مواجه شود، نه تنها واژه‌ها دچار حیرت می‌گردند؛ بلکه نظام نسبی و سببی، خانوادگی و شبکه‌ای این مفاهیم، متلاشی می‌شود. پارادایم برای زیرمجموعه خود نقش معقولیت‌سازی، مشروعیت‌بخشی، افق‌سازی،

هویت‌بخشی و تقویت‌کنندگی عناصر مفهومی را دارد. امامت در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله گذشته همین نقش را در همه رویکردها، نحله‌ها، رهیافت‌ها و رفتارها در سطوح و لایه‌های مختلف شیعه داشته است.

با این اوصاف، پارادایم امامت عبارت است از: «اوج معنای مطلوب جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریت‌های جامعه که از ضعف‌ها و شهوات و نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۶۹). امامت، یعنی آن دستگامی که عزت‌خداایی را برای مردم به‌وجود می‌آورد، علم و معرفت را به مردم می‌دهد و ابهت اسلام و مسلمین را در مقابل دشمن حفظ می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶).

امامت در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، یک مقوله صرفاً انتزاعی و ذهنی نیست؛ بلکه ناظر به حقایق و در پیوند با واقعیت‌های امامان دوازده‌گانه بعد از ارتحال پیامبر اسلام ﷺ است. رهبر فرزانه انقلاب، در شرح روایت معروف امام هشتم علیه السلام که فرمود: «الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المومنین» (ابن شعبه، ۱۳۷۶، ص ۴۶۲) امامت را معادل رهبری جامعه و حکومت اسلامی و ولایت اسلامی می‌داند و مقصود از زمام دین را چیزی می‌داند که به دین یعنی به مجموعه احکام اسلامی جهت می‌دهد، آن‌ها را در جای خود مصرف می‌کند، در زندگی بشر، نیازها را با آن‌ها تطبیق می‌نماید، مصالح جامعه را از میان آنها جست‌وجو می‌کند و می‌یابد و طبق آن عمل می‌کند. همچنین درباره مفهوم «نظام مسلمین» در روایت معتقد است: مقصود آن است که بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی، جامعه مسلمین، دارای نظام نیست. آنچه که به این جامعه نظم می‌بخشد، باز دست مقتدر ولایت الهی است در جامعه. درباره ترکیب «صلاح الدنیا» بر این باور است که آن چیزی که دنیا را آباد می‌کند، حاکمیت اسلامی است که اگر این را از دین بگیریم مطمئناً از مجموعه احکام دین چیزی که بتواند این آثار را داشته باشد، باقی نخواهد ماند (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲).

پارادایم امامت در چارچوب کلام سیاسی، دارای دو دوره است؛ دوره نخست را در اصطلاح، دوره حضور و دوره دوم را دوره غیبت می‌گویند. آنچه مسلم است هویت و ماهیت پارادایمی امامت در همان دوره نخست شکل گرفته است و حقایق دوره دوم، در

ذیل دوره نخست فهمیده می‌شوند. در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار از مفاهیم اساسی دوره دوم امامت است که حقایق ثابت و اصول مسلم آن را باید بر مبنای سنجه‌های دوره نخست ارزیابی و درک کرد. در ادامه به برخی از ویژگی‌های دوره نخست پارادایم امامت از منظر کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌شود، تا زمینه جایابی انتظار در آن نیز فراهم گردد:

ویژگی‌های پارادایم امامت

پارادایم امامت، دارای اصول ثابت و سازوکارهای متغیر است. ائمه علیهم‌السلام به رغم تعدد و شرایط مختلف دوره حیاتشان، اصول مشترک و ثابت، آن‌ها را به منزله حقیقت واحد و یک انسان با عمر طولانی قرار داده است؛ همان طوری که در روایت به نور واحد تشبیه شده‌اند: «کلهم نور واحد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۱).

۱. وحدت حرکت و مسیر: حرکت فکری و کلیه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی ائمه اطهار علیهم‌السلام یک حرکت مستمر و طولانی است که از سال یازدهم هجرت شروع می‌شود و به ۲۶۰ که سال شروع غیبت صغرا است، خاتمه پیدا می‌کند. این بزرگواران یک واحدند، یک شخصیت‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

۲. همسانی در جهت‌گیری امامان علیهم‌السلام: همه امامان به مثابه شخصیت و حقیقت مشترک، دارای جهت‌گیری‌های واحد و همسان هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

۳. همسویی امامان علیهم‌السلام در اهداف: هدف امامان شیعه، در مسیر اهداف متعالی همانند خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برپایی نظام عادلانه اسلامی است (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۷) در قالب حکومت اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲) و رساندن جامعه به حیات طیبه و کمال و سعادت (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

۴. اشتراک در اصل ثابت تلاش و مجاهدت مستمر: ائمه معصومین علیهم‌السلام مبارزه علمی، اعتقادی، کلامی، سیاسی مستمر داشتند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، صص ۱۹-۲۰).

۵. اصل ثابت در حفاظت از دین: مهم‌ترین مسئولیت امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان حجت خدا و خلیفه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تبیین، تشریح، تفسیر و تبلیغ دین است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۱/۲۸).

۶. برخورداری از سنت ثابت پیروزی: مکتب اهل بیت علیهم السلام در طول دوره حضور (۱۱-۲۶۰ق) به رغم همه مظلومیت‌ها، در مجموع و در طول زمان، غلبه کرده و پیروز شدند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۶۵-۸۸).

حقیقت انضمامی امامت در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در قالب «نظریه انسان دویست و پنجاه ساله» با ویژگی‌های فوق، زمینه فهم فلسفه سیاسی انتظار را در پارادایم امامت فراهم می‌کند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

فلسفه انتظار در پارادایم امامت

از آنچه درباره دانش‌واژه و فرهنگ انتظار بیان شد، می‌توان به این نکته دست یافت که انتظار، یک فلسفه در حاشیه پارادایم امامت است و متعلق به ظرف زمانی «دوره غیبت» و در مقابل «گفتمان یأس» قرار دارد (خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷). تقابل گفتمانی انتظار با یأس و نومیدی، در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، برای هر یک استلزاماتی به وجود آورده است که آن‌ها را می‌توان در پنج دسته به شرح ذیل بیان کرد:

۱. درحالی که گفتمان انتظار پیوند وثیقی با ربوبیت الهی دارد، گفتمان یأس، حلقه روابط خود را با پروردگار کاهش داده است؛
۲. گفتمان انتظار در شرایط سخت غیبت به نصرت الهی باور دارد؛ درحالی که گفتمان یأس، هیچ‌امیدی به گشایش امور و اصلاح و نجات و فلاح ندارد؛
۳. درحالی که حضور الگوهای موفقیت در گفتمان انتظار بسیار برجسته می‌باشد، گفتمان یأس، سقوط الگوهای موفقیت خود را پذیرفته است؛
۴. در گفتمان انتظار، حرکت و نشاط، تلاش و مجاهدت برای پیروزی موج می‌زند؛ درحالی که گفتمان یأس، به دلیل ضعف در پیوند قلبی با ربوبیت و انحراف در بینش و ارزش‌ها، گرفتار توقف، سکوت، بی‌حرکی، عدم اقدام، عدم مبارزه و تلاش و عدم امید به برون‌رفت از مشکلات عصر غیبت رسیده است؛
۵. نتیجه گفتمان انتظار، امید به پیروزی است؛ درحالی که گفتمان یأس در انتظار هیچ فرج و گشایشی نیست.

بنابراین در مشکلات، سختی‌ها و تنگناهایی که برای بشر به وجود می‌آید، دو گونه روحیه وجود دارد؛ یک روحیه، روحیه یأس است. یک روحیه هم به عکس، روحیه امید، امید به گشایش است. فرج یعنی گشایش، امید به باز شدن تنگناها، گشوده شدن بن‌بست‌ها؛ این هم یک روحیه است. از اغلب معصومان علیهم‌السلام انتظار فرج روایت دارد که «احب الاعمال إلى الله انتظار الفرج (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۲۳)؛ از همه کارهای دنیا محبوب‌تر در نزد پروردگار، انتظار گشایش است». هر سختی‌ای که پیدا کردید، مأیوس نشوید، انتظار داشته باشید که این سختی برطرف بشود. امید فرج داشته باشید. شما ببینید ملتی که این روحیه را دارد، کدام مشکل هست که در مقابل این ملت بتواند مقاومت کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷).

اما آنچه در میان اصول ثابت امامت در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بسیار مهم می‌نماید و به مثابه نقطه مرکزی انتظار فرج تلقی می‌شود در دو محور تحقق حاکمیت الهی و قدرت سیاسی است؛ بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت: موضوع انتظار، گشایش در باب حاکمیت الهی و قدرت سیاسی است. همان‌طور که این بزرگوار تصریح می‌کند:

اسلام، مکتب جاودانه انسان است. مکتبی که با برخورداری از خصوصیات ویژه خود، جاودانگی را برای خویش امکان‌پذیر ساخته است. با این ملاحظه، به سهولت می‌توان برنامه عمومی امامان شیعه و جانشینان بالاستحقاق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دانست. این برنامه در دو بخش انفکاک‌ناپذیر انجام می‌گیرد؛ بخش اول مربوط به ایدئولوژی است و بخش دوم مربوط به تأمین قدرت اجرائی و اجتماعی است (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۷).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اهداف دوگانه مبارزه ائمه علیهم‌السلام را با همین مضمون، در جای دیگر چنین توضیح می‌دهد:

هدف مبارزه ائمه علیهم‌السلام دو هدف اصلی بود؛ یکی عبارت بود از حفظ آیین اسلام از تحریف و نگه‌داشتن این ودیعه الهی در طول تاریخ، و حفظ ایدئولوژی. هدف

دوم عبارت بود از تشکیل یک نظام اجتماعی بر اساس آن ایدئولوژی که ما اسم آن را می‌گذاشتیم حکومت علوی (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۳/۱۹).

چکیده نظریه متکلمان آیت‌الله خامنه‌ای در باب موضوع محوری امامت که بالطبع موضوع محوری انتظار در عصر غیبت است، عبارت از آن است که: «تمام بحث ائمه با مخالفانشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی، آن‌ها با ائمه علیهم‌السلام دعوایی نداشتند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲). رهبر معظم انقلاب معتقد است که اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند و اگر بحث قدرت سیاسی نبود و داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ گونه تعرضی به آن‌ها انجام نمی‌گرفت یا لااقل به این شدت انجام نمی‌گرفت. اصلاً خود ائمه علیهم‌السلام روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی داشتند. وقتی امام صادق علیه‌السلام می‌خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند، در اجتماع مردم در عرفات، می‌ایستد و می‌گوید: «ایها الناس ان رسول الله کان هو الامام»؛ یعنی امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، «ثم من بعده علی بن ابیطالب، ثم من بعده حسن و حسین» تا می‌رسد به خودش (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲).

بنابراین دو عنصر اساسی حاکمیت و حکومت به مثابه اصول ثابت الگویی امامت و نقطه مرکزی تلقی می‌شوند، و در عصر غیبت ائمه علیهم‌السلام فقدان آن‌ها سبب فعال شدن عناصر اقتضایی مانند جهاد و مبارزه و تقیه و صبر و انتظار ابتدا در زندگی خود ائمه علیهم‌السلام و سپس در زندگی شیعیان می‌گردد. همان‌طور که گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد، از آغاز نیمه دوم قرن اول هجری که خلافت اسلامی به‌طور آشکار با پیرایه‌های سلطنت آمیخته شد و امانت اسلامی به حکومت جابرانه پادشاهی بدل گشت، ائمه اهل بیت علیهم‌السلام مبارزه سیاسی خود را به شیوه‌ای متناسب با اوضاع و شرایط، شدت بخشیدند. این مبارزه، بزرگ‌ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۸).

روشن است که مبارزه، یک اصل اقتضایی برای احیای ولایت در جامعه اسلامی است. ممکن است این شبهه مطرح شود که منحصر کردن اهداف امامت و در نتیجه

الگوی امامت در گفتمان انتظار به دو مورد فوق، سبب فروکاست گستره امامت شود. رهبر فرزانه انقلاب در پاسخ این شبهه با ذکر مدعای خود، معتقد است: همه کارهای ائمه علیهم السلام غیر از آن کارهای معنوی و روحی که مربوط به اعلاء و تکمیل نفس یک انسان و قرب او به خداست، بینه و بین ربه، یعنی درس، حدیث، علم، کلام، محاجه با خصوم علمی، با خصوم سیاسی، تأیید و حمایت یک گروه، رد یک گروه و غیر ذلک، همه در این جهت است، برای این است که حکومت اسلامی را تشکیل بدهند. این مدعاست (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۱۱).

بازخوانی انتظار در پارادایم امامت

پارادایم بودن امامت به این معنا است که همه دین و همه دنیای همسوی با دین در این چارچوب وجود دارد. فراانگاره رقیب آن، کفر و شرک و نفاق و دنیا‌های متناسب با هر کدام است. از این منظر امامت دو شأن دارد؛ یکی شأن ملکوتی است که ائمه دارای مقام معنوی و والایی در عالم تکوین هستند (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲). این جایگاه به صورت برجسته‌ای در زیارت جامعه کبیره ترسیم شده است و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، مخالفان ائمه علیهم السلام هیچ‌گاه «بر سر مقامات معنوی آن‌ها، با ائمه علیهم السلام دعوایی نداشتند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲). تبیین این جایگاه در علم کلام (عمومی) است؛ اما آنچه این نوشتار متصدی بیان آن در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای است، شأن مدیریتی و رهبری امام معصوم علیه السلام در تحقق حاکمیت الهی و در تحقق حکومت اسلامی است. به باور شیعه، نقش تکوینی امام در هر سه دوره حضور، غیبت و ظهور، وجود بالفعل دارد و امام به همان نسبتی که در دوره حضور می‌تواند تأثیرگذار باشد، در دوره غیبت هم اثرگذار است. اما آنچه در دوره غیبت نیست، شئون مدیریتی و اجرایی امام است و آنچه مورد «انتظار فرج» است، در سطح همین شئون مدیریتی و اجرایی است (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۳/۱۹). مبارزات امامان علیهم السلام در دوره حضور هم بر سر همین شئون بوده است؛ همان طوری که آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌فرماید: «تمام بحث ائمه با مخالفینشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲).

ممکن است این شبهه اعتقادی به ذهن برسد که مقامات دنیایی مانند حکومت چه ارزشی دارد که امامان معصوم علیهم السلام بر سر آن دعوا کنند؟ رهبر معظم انقلاب چنین پاسخ می‌فرماید:

حکومت در اسلام صرف حکومت مادی نیست، ماده و معنا به هم پیچیده است. حاکم فقط اداره امور زندگی مردم را نمی‌کند؛ بلکه اداره روح مردم و فکر مردم و دل مردم را هم می‌کند؛ پس حکومت، آن وقتی که در اسلام مطرح می‌شود، معنا و نام امامت پیدا می‌کند، امامت جوهره‌اش عبارت است از خلافت الهی بر روی زمین و بر مردم و این به مسائل زندگی مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دل مردم، روح مردم، جهت‌دهی مردم، هدف‌گیری تلاش‌های مردم و قالب‌گیری مجموعه زندگی مردم در آن مندرج است (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۳/۱۹).

بنابراین امامت یعنی حضور بالفعل امام در مدیریت همه اسلام (= حاکمیت) و مسلمین (= حکومت) در دوره دو‌یست و پنجاه ساله ائمه علیهم السلام و «غیبت امام» یعنی فقدان امام در مدیریت همه اسلام (= حاکمیت) و مسلمین (= حکومت) و «انتظار امام» یعنی امید به بازگشت امام در مدیریت همه اسلام (= حاکمیت) و مسلمین (= حکومت) و «ظهور امام» یعنی بازگشت مجدد امام در مدیریت همه اسلام (= حاکمیت) و مسلمین (= حکومت). بر اساس نگاه پارادایمی به امامت، چهار سطح هویتی و تاریخی ذیل وجود دارد:



پذیرش این مبنای اعتقادی سیاسی که حاکمیت و حکومت دو عنصر جوهری امامت هستند و در غیبت آن دو عنصر انتظار به مثابه بزرگ‌ترین راهبرد شیعه در مسیر تحقق ظهور یعنی تحقق حاکمیت الهی و امامت ولی الله الاعظم است، اهمیت تبیین جایگاه انتظار را در کلام سیاسی روشن می‌کند و در بازخوانی انتظار در پارادایم امامت، ویژگی‌ها و خصایص ذیل را برجسته می‌کند (مهاجرنیا، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷).

۱. ویژگی «انتظار» آن است که تنها در دوره غیبت معصومان است و برخلاف بسیاری از مفاهیم پارادایمیک دیگر، مختص به دوره حضور و یا اعم از دوره حضور و غیبت نیست؛

۲. انتظار، گفتمان جایگزین امامت، در دوره غیبت است و در مقیاس یک فلسفه زندگی در همه ابعاد آن است. جامع‌ترین آلترناتیو امامت است که همه هویت اسلام و تشیع و موضوعاتی همانند نیابت و ولایت فقیه در عصر غیبت، آرمان‌های متعالی مکتب و صلاح دین و دنیا تحت آن قرار می‌گیرند؛

۳. انتظار از سنخ مناسک عبادی یا یک اصل اعتقادی محض نیست. در عبادت انجام درست عمل به قصد قربت کافی است و در اعتقاد به اصل امامت، داشتن باور و همراهی عملی در موارد خاص کافی است؛ اما انتظار وقتی به جای امامت می‌نشیند، علاوه بر اعتقاد و عمل رایج، برای زمینه‌سازی ظهور و بازگشت امامت برای تحقق حاکمیت و حکومت اسلامی هم باید کوشید؛

۴. علاوه بر نقش جایگزینی، انتظار در عصر غیبت یک راهبرد کلان برای عبور جامعه متلاطم و سرشار از ظلم و جور به سمت ظهور حاکمیت دینی برای تحقق قسط و عدل است.

بنابراین، انتظار جزء جدایی‌ناپذیر فلسفه سیاسی امامت در دوره غیبت است و به همین دلیل موضوع انتظار در بیان آیت‌الله خامنه‌ای، به صورت وصف اضافی «انتظار تجسم جامعه عادلانه» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۸/۱۴) بیان شده است. ظرف عملیاتی این عنصر اساسی امامت، در جهانی پر از ظلم و ستم است که توقع و امید به دگرگون‌سازی در آن، در مقیاس سبک زندگی برای همه جهانیان است. «یملأ الله الارض قسطا و عدلا»؛

خدا به وسیله ظهور حضرت بقیةالله الاعظم علیه السلام زمین را پر از قسط و عدل می کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲، ج). عنصر «انتظار شیعه»، به دنبال دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت، اخلاق انسانی صحیح و والا است؛ دنیایی که در آن، حاکمیت زر و زور راهی نداشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷) و آن دنیای زیبا در نظام امامت است؛ یعنی بدون امامت و ولایت و حکومت اسلامی جامعه مسلمین دارای نظام نیست (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۰۲، ب).

نتیجه گیری

مهم ترین دغدغه فراروی این تحقیق تبیین چستی انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای بود. ماهیت‌شناسی مقوله انتظار، نگارنده را به کاوش در دو عرصه معنایی سوق داد تا در عرصه نخست بداند انتظار از چه سنخ مفهومی و چه سنخ معرفتی است و عناصر اساسی آن کدامند؟ همچنین در شبکه مفاهیم کلام سیاسی چه جایگاهی دارد؟ برای تبیین این ابهامات ابتدا می‌بایست با کنکاش در دانش‌واژه آن به درون لایه‌های ساختار زبانی ادبیات آیت الله خامنه‌ای متمرکز می‌شدیم، تا به لحاظ زبان‌شناختی مفهوم انتظار را در سه لایه «فاعلی»، «مفعولی» و «مفعول لاجله» شناسایی کنیم و حقیقت انتظار را به اعتبار منتظران بدانیم که آیا یک «احساس درونی» است یا «یک اعتقاد محض» یا «کنش قلبی» است و یا از سنخ یک «عمل عینی» برای زمینه‌سازی ظهور؟ در لایه مفعولی به سراغ مفهوم «انتظار فرج» رفتیم تا بدانیم امید منتظران به چه گشایشی است؟ و در لایه سوم، غایات انتظار را در «فلسفه تاریخ»، همانند صلاح و نجات و قسط و عدالت و پیروزی بررسی کردیم و در نهایت این رویکرد بدانجا رسیدیم که نتیجه مفهوم‌شناسی از سویه‌های زبان‌شناختی، آن شد که «انتظار» مفهومی «انضمامی» دارد که با عناصر مفهومی‌ای همانند «امید به آینده»، «عدم رضایت از وضع موجود»، «تلاش برای تحول» و «اعتقاد به تحقق حتمی ظهور» قرین است. فقدان هر یک از عناصر فوق در مفهوم انتظار سبب سلب معنای انتظار می‌شود. نتیجه‌گیری کامل از مفهوم‌شناسی متوقف بر دریافت برون‌داد از سه رویکرد سنخ‌شناسی (سنخ فعلی، سنخ اطلاق یا تشکیکی و سنخ

معرفتی) بود. با روشن شدن آن‌ها، نگارنده با تأمل در ادبیات متکلمانه آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار را از سنخ «فعل گفتاری» تشخیص داد که دارای مراتب تشکیکی است و از سنخ اعتقاد معطوف به عمل است.

با این نتایج، تحقیق وارد عرصه دوم خود شد و سؤال اساسی را بر چیستی «فلسفه انتظار» در پارادایم امامت قرار داد. کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بر این پیش‌فرض قرار دارد که پارادایم امامت، به دو دوره حضور و غیبت تقسیم شده است. آنچه مسلم است این است که هویت و ماهیت «پارادایمی» امامت در همان دوره نخست شکل گرفته و حقایق دوره دوم، در ذیل دوره نخست فهمیده می‌شوند. و پدیده انتظار از مفاهیم اساسی دوره دوم امامت است که حقایق ثابت و اصول مسلم آن را باید بر مبنای مقیاس‌ها و سنجه‌های دوره نخست ارزیابی و درک کرد. حقیقت انضمامی امامت در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در قالب «نظریه انسان دویست و پنجاه ساله»^۱ با ویژگی‌هایی مانند: شخصیت و نور واحد ائمه علیهم‌السلام، تفکیک میان اصول ثابت و سازوکارهای متغیر در زندگی ائمه علیهم‌السلام، همسانی در اهداف و جهت‌گیری‌ها، اشتراک در «مبارزه علمی، اعتقادی، کلامی، سیاسی مستمر، مسئولیت مشترک آن‌ها در حفظ، تبیین و تبلیغ دین و برخورداری همه آن‌ها از اصل اعتقادی ثابت سنت الهی پیروزی تبیین شده است. قراردادن مقوله انتظار در درون فرآینگار امامت، به مثابه ضلع سوم از اضلاع اربعه، محقق را با دو انگاره پیش‌انتظار (یعنی امامت و غیبت) و یک انگاره پس‌انتظار به نام ظهور روبه‌رو ساخت، تا جایگاه معرفتی و ساختاری «انتظار» را در این فرآیند آشکار کند. بر اساس رهیافت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای؛ تبیین شأن تکوینی و ملکوتی امامت، در انحصار «علم کلام» قرار دارد و به باور شیعه، نقش تکوینی امام در هر سه دوره حضور، غیبت و ظهور وجود بالفعل دارد و امام به همان نسبتی که در دوره حضور می‌تواند تأثیرگذار باشد در دوره غیبت هم اثرگذار است؛ بنابراین، بحث از انتظار فرج تکوینی، حاصلی ندارد. حقیقت انتظار که متصدی تبیین آن، کلام سیاسی

۱. این نظریه در کتابی با همین عنوان از سوی مجموعه صهبا و انتشارات مؤسسه ایمان جهادی در قم در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

است، در مستوای شئون تشریحی و اجرایی امامت است. توضیح آنکه در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به صراحت بیان شده است که شأن مدیریتی و رهبری امام معصوم در «تحقق حاکمیت الهی» و «تحقق حکومت اسلامی» است که باغیبت امام عصر علیه السلام این شأن امام دغدغه اصلی انتظار فرج است؛ به همین دلیل رهبر معظم انقلاب معتقد است انتظار فرج، بسترسازی همه‌جانبه و آماده‌سازی زمینه‌های عملی برای ظهور و تحقق حاکمیت الهی است.



فهرست منابع

۱. ابن شعبه، حسن بن علی بن حسین. (۱۳۷۶) تحف العقول (مترجم: علی اکبر غفاری). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۲). سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۳). بیانات در جمع کثیری از مردم قم در خیابان چهارمردان، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶ الف). بیانات در مسجد چهار مردان قم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۶۶/۱/۲۴، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶ ب). خطبه‌های نماز جمعه تهران، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۷). خطبه‌های نماز جمعه تهران، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸). بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان^{علیه السلام}، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹). سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰). سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی^{علیه السلام}، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱). بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲). پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). سخنرانی مقام معظم رهبری، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴). بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵ الف). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵ ب). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷ الف). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۷/۹/۱۴. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷ ب). بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹). بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>

۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). سخنرانی مقام معظم رهبری، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالّی تهران، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷). دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله و مرکز تخصصی مهدویت قم، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۵). پیام به نخستین کنگره جهانی حضرت رضا ۷. بی‌جا: کنگره جهانی حضرت رضا ۷.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله. قم: مؤسسه ایمان جهادی.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). دو امام مجاهد. تهران: مؤسسه انقلاب اسلامی.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (بی‌تا). پیشوای صادق. تهران: سید جمال.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۵). عنصر مبارزه در زندگانی ائمه، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا ۷.
۲۹. صدوق، محمد بن بابویه. (۱۴۰۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

۳۲. ملایی، حسن. (۱۳۹۷). ما منتظریم (چاپ سوم). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۳۳. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۱). گفتمان‌های سیاسی معطوف به ظهور امام عصر علیه السلام در مجموعه چهارمین گفتمان مهدویت. قم: بوستان کتاب.

۳۴. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۸). فلسفه عدالت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای. فصلنامه قیسات، ۱۴(۵۱)، صص ۵-۳۵.

۳۵. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۹۴). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۶. نعمانی، محمد. (بی تا). الغیبة. تهران: مکتبه الصدوق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی